

یعنی آنجا محدودیت این جهان را ندارد که انسان آرزوی بسیاری از نعمتها بکند و به آن دسترسی نداشته باشد، هر نعمت مادی و معنوی که بخواهد بدون استثناء در دسترس او است، آنهم نه یک روز و دو روز بلکه در یک عمر جاویدان! سوم اینکه فزع اکبر آنها را غمگین نمی کند (لا یحزنهم الفزع الاکبر). «فزع اکبر» (وحشت بزرگ) را بعضی اشاره به وحشتهای روز قیامت دانسته اند که از هر وحشتی بزرگتر است، و بعضی اشاره به نفخه صور و دگرگونیهای پایان این جهان و تزلزل عجیبی که در ارکان این عالم میافتد آنچنان که در آیه ۸۷ سوره نحل آمده است. ولی از آنجا که وحشت روز رستاخیز مسلماً از آن هم مهمتر است تفسیر اول صحیح تر به نظر می رسد. بالاخره آخرین لطف خدا در باره کسانی که در این آیات به آنها اشاره شده

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۱

این است که «فرشتگان رحمت به استقبال آنها می شتابند و به آنها تبریک و شادباش می گویند و بشارت می دهند این همان روزی است که به شما وعده داده می شد» (و تتلقاهم الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون). در نهج البلاغه می خوانیم امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: فبادروا باعمالکم تکنونوا مع جیران الله فی داره، رافق بهم رسله، وازارهم ملائکته، و اکرم اسماعهم ان تسمع حسیس نار جهنم ابداء: «به اعمال نیک مبادرت ورزید تا از همسایگان خدا در سرای او باشید، درجائی که پیامبران را رفیق آنها قرار داده، و فرشتگان را به زیارتشان میفرستد، خدا آنچنان این گروه را گرامی داشته که حتی گوشه‌هایشان صدای آتش دوزخ را نمی شنود».

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۲

آیه ۱۰۴

آیه و ترجمه

۱۰۴ یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب کما بداءنا ءول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فعلین

ترجمه :

۱۰۴ - در آن روز که آسمان را همچون طومار درهم می پیچیم، (سپس) همانگونه که آفرینش را آغاز کردیم آنرا باز می گردانیم، این وعده ای است که ما داده ایم و قطعاً آن را انجام خواهیم داد.

تفسیر:

آن روز که آسمانها در هم پیچیده می شود

در آخرین آیه بحث گذشته خواندیم مؤمنان راستین از «فزع اکبر» (وحشت بزرگ) غمگین نمی شوند آیه مورد بحث توصیفی از آن روز و وحشت بزرگ است، و در حقیقت علت عظمت این وحشت را مجسم می سازد، می گوید: «این امر، روزی تحقق می یابد که ما آسمان را درهم می پیچیم همانگونه که طومار نامه ها درهم پیچیده می شود»! (یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب).

در زمانهای گذشته برای نوشتن نامه ها و همچنین کتابها، از اوراق طومار مانند استفاده می کردند، این طومارها را قبل از نوشتن به هم می پیچیدند و شخص کاتب تدریجاً آن را از یک طرف می گشود و مطالب مورد نظر را روی آن می نوشت

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۳

و بعد از پایان کتابت نیز آن را می پیچیدند و کنار می گذاشتند و لذا هم نامه ها و هم کتابهایشان شکل طومار داشت این طومار، «سجل» نامیده می شد که برای کتابت از آن استفاده شده بود.

در این آیه تشبیه لطیفی نسبت به درنوردیدن طومار عالم هستی در پایان دنیا شده است، در حال حاضر این طومار گشوده شده و تمام نقوش و خطوط آن خوانده می شود و هر یک در جایی قرار دارد، اما هنگامی که فرمان رستاخیز فرا رسد، این طومار عظیم با تمام خطوط و نقوشش، درهم پیچیده خواهد شد. البته پیچیدن جهان به معنی فنا و نابودی آن نیست چنانکه بعضی پنداشته اند بلکه به معنی درهم کوبیده شدن و جمع و جور شدن آن است، و به تعبیر دیگر شکل جهان به هم می خورد اما مواد آن نابود نمی شود، این حقیقتی است که از تعبیرات مختلف در آیات معاد (مخصوصاً بازگشت انسان از استخوان پوسیده و از قبرها) به خوبی مشاهده می شود.

سپس اضافه می کنند «همانگونه که ما در آغاز آن را ایجاد کردیم باز

هم برمی گردانیم» و این کار مشکل و سختی در برابر قدرت عظیم مانیست (کما بداءنا اول خلق نعیده).

در حقیقت این تعبیر شبیه تعبیری است که در آیه ۲۹ سوره اعراف آمده است  
کما بداءکم تعودون: «همانگونه که شما را در آغاز ایجاد کرد  
باز می گرداند.» و یا همانند: و هو الذی یبدء الخلق ثم یعیده و هو اھون علیہ:  
«او کسی است که آفرینش را ایجاد کرد سپس آن را باز می گرداند و این بر او  
آسانتر است» (روم - ۲۷).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۴

اما اینکه بعضی از مفسران احتمال داده اند که منظور از این  
بازگشت، بازگشت به فناء و نیستی، یا به هم پیچیدگی همچون آغاز آفرینش  
است، بسیار بعید به نظر می رسد.  
و در پایان آیه می فرماید: این وعده ای است که ما داده ایم و قطعاً آن را انجام  
خواهیم داد (وعدا علینا انا کنا فاعلین).  
از بعضی روایات استفاده می شود که منظور از بازگشت خلق به صورت اول  
آن است که انسانها بار دیگر پا برهنه و عریان - آن گونه که در آغاز آفرینش  
بودند - باز می گردند، ولی بدون شک منظور این نیست که مفهوم آیه منحصر  
در این معنی باشد، بلکه این یکی از چهره های بازگشت آفرینش به صورت  
نخست است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۵

آیه ۱۰۵ - ۱۰۶

آیه و ترجمه

۱۰۵ و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصلحون  
۱۰۶ ان فی هذا لبلغا لقوم عبدین

ترجمه :

۱۰۵ - ما در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان صالح من وارث  
(حکومت) زمین خواهند شد.

۱۰۶ - در این ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت کنندگان.

تفسیر:

## حکومت زمین از آن صالحان خواهد بود.

بعد از آنکه در آیات گذشته به قسمتی از پادشاهی اخروی مؤمنان صالح اشاره شد در دو آیه مورد بحث به یکی از روشن‌ترین پادشاهی‌دنیوی آنها که حکومت روی زمین است با بیان شیوائی اشاره کرده‌می‌گوید: در زبور بعد از ذکر چنین نوشتیم که سرانجام بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد» (و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر ان الارض يرثها عبادي الصالحون).

«ارض» به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را شامل می‌گردد مگر این‌که قرینه خاصی در کار باشد، گرچه بعضی احتمال داده‌اند که مراد وارث شدن سراسر زمین در قیامت است، ولی ظاهر کلمه «ارض» هنگامی که بطور مطلق گفته می‌شود، زمین این جهان است.

واژه «ارث» همان‌گونه که سابقاً هم اشاره کرده‌ایم به معنی چیزی است که بدون معامله و دادوستد به کسی انتقال می‌یابد، و گاهی در قرآن کریم

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۶

به تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر قوم ناصالح و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنها گفته شده است، چنانکه در آیه ۱۳۷ سوره اعراف در باره بنی اسرائیل و پیرویشان بر فرعونیان چنین می‌خوانیم: واورثنا القوم الذین کانوا یستضعفون مشارق الارض و مغاربها: «ماشرق و غرب زمین را به ارث به آن قوم مستضعف دادیم» گرچه «زبور» در اصل به معنی هر گونه کتاب و نوشته است، هر چند در قرآن مجید در دو مورد از سه موردی که این کلمه به کار رفته، اشاره به زبور داود است اما بعید به نظر نمی‌رسد که مورد سوم یعنی آیه مورد بحث نیز به همین معنی باشد.

«زبور داود» یا به تعبیری که در کتب «عهد قدیم» آمده «مزامیر داود» عبارت است از مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داود پیامبر.

بعضی مفسران نیز احتمال داده‌اند که منظور از زبور در اینجا تمام کتب انبیای پیشین است.

ولی بیشتر - با توجه به دلیلی که ذکر کردیم - به نظر می‌رسد که زبور همان کتاب مزامیر داود باشد، بخصوص این‌که در مزامیر موجود، عباراتی وجود دارد

که عینا مطابق با آیه مورد بحث است و بعدا به خواست خدا به آن اشاره خواهیم کرد.

«ذکر» در اصل به معنی یادآوری و یا چیزی که مایه تذکر و یادآوری است، و در آیات قرآن به همین معنی به کار رفته، گاهی نیز به کتاب آسمانی موسی یعنی تورات اطلاق شده (مانند آیه ۴۸ سوره انبیاء و لقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکر للمتقین).  
و گاه این عنوان در مورد قرآن استعمال شده، مانند آیه ۲۷ سوره تکویر:

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۷

ان هو الا ذکر للعالمین.

چلذا بعضی گفته‌اند که منظور از ذکر در آیه مورد بحث قرآن است، و زبور تمام کتب انبیاء پیشین، و کلمه من بعد تقریبا معادل کلمه علاوه بر در فارسی خواهد بود و به این ترتیب معنی آیه چنین می‌شود: «ما علاوه بر قرآن در تمام کتب انبیاء پیشین نوشتیم که سرانجام سراسر روی زمین در اختیار بندگان صالح خدا قرار خواهد گرفت».

ولی با توجه به تعبیراتی که در آیه به کار رفته، ظاهر این است که منظور از زبور، کتاب داود، و ذکر به معنی تورات است، و با توجه به اینکه زبور بعد از تورات بوده، تعبیر من بعد نیز حقیقی است، و به این ترتیب معنی آیه چنین می‌شود، «ما، در زبور، بعد از تورات، چنین نوشتیم که این زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد».

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا در میان کتب آسمانی، تنها از این دو کتاب نام، برده شده است؟

این تعبیر ممکن است به خاطر آن باشد که: داود، یکی از بزرگترین پیامبرانی بود که تشکیل حکومت حق و عدالت داد، و بنی اسرائیل نیز مصداق روشن قوم مستضعفی بودند که بر ضد مستکبران قیام کردند و دستگاه آنها را بهم پیچیدند و وارث حکومت و سرزمین آنها شدند.

سؤال دیگری که در اینجا باقی میماند این است که بندگان صالح خدا (عبادی الصالحون) کیانند؟

با توجه به اضافه شدن بندگان به خدا، مساله ایمان و توحید آنها روشن می‌شود، و با توجه به کلمه «صالحون» که معنی گسترده و وسیعی دارد، همه شایستگیها به ذهن می‌آید: شایستگی از نظر عمل و

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۸

و آگاهی، شایستگی از نظر قدرت و قوت، و شایستگی از نظر تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

هنگامی بندگان با ایمان این شایستگیها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی مستکبران را به خاک بمالند، دستهای آلوده‌شان را از حکومت زمین کوتاه کنند، و وارث میراثهای آنها گردند.

بنابراین تنها «مستضعف بودن» دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت روی زمین نخواهد بود، بلکه از یکسو ایمان لازم است و از سوی دیگر کسب شایستگیها، و مستضعفان جهان مادام که این دو اصل را زنده نکنند به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

و لذا در آیه بعد به عنوان تاکید بیشتر می‌گوید: «در این سخن ابلاغ روشنی است برای گروهی که خدا را با اخلاص پرستش می‌کنند» (ان فی هذا لبلاغا لقوم عابدين).

بعضی از مفسران «هذا» را اشاره به تمام وعد و وعیدهای که در این سوره و یا در تمام قرآن آمده است دانسته‌اند که موضوع بحث ما نیز در این مفهوم کلی وارد است.

ولی ظاهر آیه این است که «هذا» اشاره به همان وعدهای است که در آیه قبل به بندگان صالح خود در مورد حکومت روی زمین داده شده است.

**نکته‌ها:**

**۱ - روایات پیرامون قیام مهدی (علیه السلام)**

در بعضی از روایات صریحا این آیه تفسیر به یاران مهدی (علیه السلام) شده است: چنانکه در مجمع البیان ذیل همین آیه از امام باقر (علیه السلام) چنین می‌خوانیم: هم

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۱۹

اصحاب المهدی فی آخر الزمان: «بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند یاران مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان هستند».

در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: ان الارض يرثها عبادي الصالحون، قال القائم و اصحابه: «منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می‌برند مهدی قائم ( علیه السلام ) و یاران او هستند.» ناگفته پیداست مفهوم این روایات، انحصار نیست، بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است، و بارها گفته‌ایم این تفسیرها هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌سازد.

بنابراین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد. علاوه بر روایات فوق که در خصوص تفسیر این آیه وارد شده روایات بسیار زیادی که بالغ به حد تواتر است از طرق شیعه و اهل تسنن در مورد مهدی ( علیه السلام ) از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و همچنین از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده که همه آنها دلالت بر این دارد سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد، و مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد آنچنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

از جمله این حدیث معروف است که در اکثر منابع اسلامی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده: لو لم يبق من الدنيا الا يوم، لطول الله ذلک الیوم، حتی یبعث رجلا (صالحا) من اهل بیتی یملا الارض عدلا و قسطا کما ملئت ظلما و جورا: «اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد که صفحه زمین را پر از عدل و داد کند همانگونه که از ظلم و جور پر شده است. این حدیث با همین تعبیر یا مختصر تفاوتی در بسیاری از کتب شیعه و اهل

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۰

سنت آمده است.

در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه گفتیم: که گروهی از بزرگان علمای اسلام، از قدیم و جدید، سنی و شیعه در کتابهای خود تصریح کرده‌اند که احادیث در زمینه قیام مهدی ( علیه السلام ) در سر حد تواتر است و به هیچوجه قابل انکار نیست، حتی کتابهایی بالخصوص در این مورد نوشته‌اند که شرح آن را می‌توانید در جلد هفتم تفسیر نمونه ذیل آیه ۳۳ توبه (صفحه ۳۷۴ به بعد) مطالعه فرمائید.

## ۲ - بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

جالب اینک در کتاب «مزامیر داود» که امروز جزء کتب عهد قدیم است عین تعبیری که در آیات فوق خواندیم یا مشابه آن در چند مورد دیده می شود و نشان می دهد با تمام تحریفاتی که در این کتب به عمل آمده این قسمت همچنان از دستبردها مصون مانده است.

۱ - در مزمور ۳۷ جمله ۹ می خوانیم:...

«زیرا که شریران منقطع می شوند، و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد، و حال اندک است که شریر نیست می شود، هر چند مکانش را استفسار نمائی ناپیدا خواهد شد!»

۲ - و در جای دیگر در همین مزمور (جمله ۱۱) می خوانیم: «امامتواضعانه وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد»، ۳- و نیز در همان مزمور ۳۷ جمله ۲۷ این موضوع به تعبیر دیگری دیده می شود: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...».

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۱

۴ - در همین مزمور جمله ۲۹ آمده است: صدیقان وارث زمین شده، ابدًا در آن ساکن خواهند بود».

۵ - و در جمله ۱۸ از همین مزمور آمده است: «خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد». در اینجا خوبی مشاهده می کنیم همان عنوان صالحان که در قرآن آمده با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می خورد، علاوه بر این تعبیرات دیگری مانند «صدیقان»، «متوکلان»، «متبرکان»، و «متواضعان» که با آن قریب الافق است نیز در جمله های دیگر ذکر شده است.

این تعبیرات، دلیل بر عمومیت حکومت صالحان است و کاملاً با احادیث قیام مهدی (علیه السلام) تطبیق می کند.

## ۳ - حکومت صالحان یک قانون آفرینش است

گرچه برای آنها که غالباً شاهد و ناظر حکومت طاغیان ظالم و یاغیان قلدر بوده اند، مشکل است این حقیقت را به آسانی پذیرا شوند که تمام این حکومتها بر خلاف نوامیس آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آنچه با آن هماهنگ می باشد همان حکومت صالحان با ایمان است.



ولی تحلیلهای فلسفی به اینجا منتهی می شود که این یک واقعیت است، بنابراین جمله «ان الارض يرثها عبادى الصالحون» پیش از آنکه یک وعده الهی باشد یک قانون تکوینی محسوب می شود. توضیح اینکه: جهان هستی تا آنجا که میدانیم مجموعه ای از نظامهاست

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۲

وجود قوانین منظم و عمومی در سرتاسر این جهان دلیل بر یکپارچگی و بهم پیوستگی این نظام است.

مساله نظم و قانون و حساب در پهنه آفرینش یکی از اساسی ترین مسائل این عالم محسوب می شود، فی المثل اگر می بینیم صدها دستگاه مغز الکترونیکی نیرومند دست بدست هم می دهند تا با انجام محاسبات دقیق راه سفرهای فضائی را برای مسافران فضا هموار سازند، و محاسبات آنها درست از آب در می آید و قائق ماه نشین در همان محل پیشبینی شده در کره ماه می نشیند با اینکه کره ماه و زمین هر دو به سرعت در حرکتند، باید توجه داشته باشیم که این جریان مدیون نظام دقیق منظومه شمسی و سیارات و اقمار آن است، زیرا اگر حتی یکصدم ثانیه از سیر منظم خود منحرف می شدند معلوم نبود مسافران فضا به کدام نقطه پرتاب خواهند شد.

از جهان بزرگ وارد عالم کوچک و کوچکتر و بسیار کوچک میشویم، در اینجا مخصوصا در عالم موجودات زنده نظم مفهوم زنده تری به خود می گیرد و هرج و مرج در آن هیچ محلی ندارد، مثلا بهم خوردن تنظیم یک سلول مغزی انسان کافی است که سازمان زندگی او را به گونه غم انگیزی به هم بریزد. در اخبار جرائد آمده بود که یک جوان دانشجو بر اثر یک تکان شدید مغزی در یک حادثه رانندگی تقریبا تمام گذشته خود را فراموش کرده است! در حالی که از جهات دیگر سالم است، برادر و خواهر خود رانمی شناسد و از اینکه مادرش او را در آغوش می فشارد و می بوسد وحشت می کند که این زن بیگانه با من چه کار دارد؟ او را به زادگاهش می برند، به اطاقی که در آن بزرگ شده، به کارهای دستی و تابلوهای نقاشی خودش می نگرد، ولی می گوید: این نخستین بار است که چنین اطاق و تابلوی را مشاهده می کند!! شاید فکر می کند از کره دیگری به این کره قدم گذارده است که همه چیز برای او تازگی دارد.

شاید از میان چند میلیارد سلول مغز او، تنها چند سلول ارتباطی که گذشته را با حال پیوند می‌داده، از کار افتاده است، ولی همین بهم خوردن تنظیم جزئی چه اثر وحشتناکی به بار آورد؟!

آیا جامعه انسانی می‌تواند با انتخاب لا نظام و هرج و مرج و ظلم و ستم و نابسامانی و ناهنجاری خود را از مسیر رودخانه عظیم جهان آفرینش که همه در آن با برنامه منظم پیش می‌روند کنار بکشد؟!

آیا مشاهده وضع عمومی جهان ما را به این فکر نمی‌اندازد که بشریت نیز خواه ناخواه باید در برابر نظام عالم هستی سر فرود آرد و قوانین منظم و عادلانه‌ای را بپذیرد، به مسیر اصلی بازگردد، و همرنگ این نظام شود؟!

نظری به ساختمان دستگاه‌های گوناگون و پیچیده بدن هر انسان که می‌افکنیم! از قلب و مغز گرفته تا چشم و گوش و زبان و حتی یک پیازمو، می‌بینیم همه آنها تابع قوانین و نظم و حسابی هستند، با اینحال چگونه جامعه بشریت بدون پیروی از ضوابط و مقررات و نظام صحیح عادلانه می‌تواند برقرار بماند؟

ما خواهان بقای بشریت هستیم و برای آن تلاش می‌کنیم منتها هنوز سطح آگاهی اجتماع ما به آن حد نرسیده که بدانیم ادامه راه کنونی منتهی به فنا و نابودی ما می‌شود، ولی کمکم بر سر عقل می‌آئیم و این درک و رشد فکری برای ما حاصل می‌گردد.

ما خواهان منافع خویشتن هستیم، ولی هنوز نمی‌دانیم که ادامه وضع فعلی منافع ما را بر باد می‌دهد، اما تدریجا ارقام و آمار زنده و گویا را مثلاً در مورد مسابقه تسلیحاتی در برابر چشممان می‌گذاریم و می‌بینیم چگونه نیمی از فعالترین نیروهای فکری و جسمانی جوامع جهان ونیمی از ثروتها و سرمایه‌های بزرگ در این راه به هدر می‌رود نه تنها به هدر می‌رود بلکه در مسیر نابود کردن نیم دوم به کار می‌افتد!

همزمان با افزایش سطح آگاهی ما به روشنی می‌یابیم که باید به نظام عمومی عالم هستی بازگردیم و با آن همصدا شویم. و همانطور که واقعا جزئی از این کل هستیم عملاً هم باید چنین باشیم

تأبوانیم به اهداف خود در تمام زمینه‌ها برسیم.  
نتیجه اینکه: نظام آفرینش دلیل روشنی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی  
در آینده، در جهان انسانیت خواهد بود، و این همان چیزی است که از آیه مورد  
بحث و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی (مهدی ارواحنا فداه)  
استفاده می‌شود.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۵

آیه ۱۰۷ - ۱۱۲

آیه و ترجمه

۱۰۷ و ما ءرسلنک الا رحمة للعالمین

۱۰۸ قل انما یوحی الی ءانما الهکم اله وحد فهل ءانتم مسلمون

۱۰۹ فان تولوا فقل ءاذنکم علی سواء و ان ءدری ء قریب ءم بعید ماتوعدون

۱۱۰ انه یعلم الجهر من القول و یعلم ما تکتمون

۱۱۱ و ان ءدری لعله فتنة لکم و متع الی حین

۱۱۲ قل رب احکم بالحق و ربنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

ترجمه :

۱۰۷ - ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

۱۰۸ - بگو تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبود شما خدای  
یگانه است، آیا (با اینحال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بتها را کنار می‌گذارید  
؟).

۱۰۹ - اگر (با این همه) رویگردان شوند بگو من به همه شما یکسان (از عذاب  
الهی) اعلام خطر می‌کنم، و نمی‌دانم آیا وعده (عذاب خدا) به شما نزدیک  
است یا دور؟!

۱۱۰ - او سخنان آشکار را می‌داند و آنچه را کتمان می‌کنید (نیز) می‌داند (و  
چیزی بر او مخفی نیست).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۶

۱۱۱ - و من نمی‌دانم شاید این ماجرا آزمایشی برای شماست، و بهره‌گیری تا  
مدتی (معین)

۱۱۲ - (و پیامبر) گفت: پروردگارا! به حق داوری فرما (و این طغیانگران را

کیفر ده) و از پروردگار رحمان در برابر نسبت‌های ناروای شما استمداد می‌طلبم.

تفسیر:

### پیامبر رحمت برای جهانیان

از آنجا که آیات گذشته بشارت حکومت روی زمین را به بندگان صالح می‌داد و چنین حکومتی مایه رحمت برای همه مردم جهان است در نخستین آیه مورد بحث به رحمت عامه وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اشاره کرده می‌گوید: «ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم» (و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین).

عموم مردم دنیا اعم از مؤمن و کافر همه مرهون رحمت تو هستند، چرا که نشر آئینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است، حال اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند این مربوط به خودشان است و تاثیری بر عمومی بودن رحمت نمی‌گذارد.

این درست به آن می‌ماند که بیمارستان مجهزی برای درمان همه دردها با پزشکان ماهر و انواع داروها تاسیس کنند، و درهای آنرا به روی همه مردم بدون تفاوت بگشایند، آیا این وسیله رحمت برای همه افراد آن اجتماع نیست؟ حال اگر بعضی از بیماران لجوج خودشان از قبول این فیض عام امتناع کنند تاثیری در عمومی بودن آن نخواهد داشت.

و به تعبیر دیگر رحمت بودن وجود پیامبر برای همه جهانیان جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و مسلماً فعلیت نتیجه، بستگی به قابلیت قابل نیز دارد.

تعبیر به «عالمین» (جهانیان) آنچنان مفهوم وسیعی دارد که تمام انسانها را در تمام اعصار و قرون شامل می‌شود و لذا این آیه را اشاره‌ای بر خاتمیت پیامبر اسلام می‌دانند، چرا که وجودش برای همه انسانها آینده تا پایان جهان رحمت

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۵۲۷

است و رهبر و پیشوا و مقتدا، حتی این رحمت، از یک نظر شامل فرشتگان هم می‌شود:

حدیث جالبی در اینجا نقل شده که این عمومیت را تایید می‌کند حدیث این است هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر از جبرئیل پرسید «هل اصابک من هذه الرحمة شیء؟» «آیا چیزی از این رحمت عائد تو شد؟»

جبرئیل در پاسخ عرض کرد «نعم، انی کنت اخشی عاقبة الامر، فامنت بک،  
لما اثنی الله علی بقوله عند ذی العرش مکین»: «من از پایان کار خویش  
بیمناک بودم، اما بخاطر آیهای که در قرآن بر تو نازل شد از وضع خود مطمئن  
شدم آنجا که خداوند مرا با این جمله مدح کرده ذی قوۃ عند ذی العرش  
مکین»: جبرئیل نزد خداوند خالق عرش بلند مقام و بلند مرتبه است»

بعدها

افترت

قبل